

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۷۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب

موت

post-jud

1442



شماره بیست و یکم

Y. A. 07v

الى فح الى

RECEIVED

هر جع ك اط و ك 2 م ه ن

هـ ا ج ك م ع ي ن ك ا ف ا ل ف ط ا و ا و ك ا ف ح ا م ي م ه ا ن و ن

معین کاف

اسی کا وصف ہے

$$\begin{array}{r} 145.2 \\ \hline 4.1574 \end{array}$$

Y. A. 57Y



مخبر است ویرا کینه که احوال زمانه دشمنش بود و روزی که او را خبر داد
وقت حضور را میزد که خطا بدار افتد غیر از اینهم در همه اوقات محتشمان
را در معتبرانت که جهت یک نیت در صدد روزگار اضطراب میجوید
بر روزی که در وقت هر چند صبح کند از سلامت و بکس از احوال
ای صدمه را میجویم کند و در وقت رمل روزی اینهم و عیال را بخواند الله

الملك الحق الباقى و هو الله تعالى رفعت نداء بلدا و الملك انت ربنا
و اضطرابك ف اسرار الفضاير جولى ملك و فوه ايت على كاه
القدر انا به كم حينه كنهنا نيك خنجان بناسه ضيقه و از ابرو
و از اندوه و ترس و غم و دل نماند مگر بفرمان روز چند با سق چند
فمنعته و اضطراب و در روز و جهان نیت بسیار وقت
اول و رفيع رمل و اسر متعلق وليت و اينهم فتم ترات مرت
مار و رفيع ضرب رمل و انى و وقت الملك و تظا

٩٤

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

ترتيب النحل في ناطق صنفه ناطق غير ناطق ناطق ناطق ناطق ناطق

יום ודואל

[illegible]

و باز دست بر اطفال **عرا** و رفاخ نهار می کشند **عرا** باشد این چنان
 و رنگ روی سر آن کتوفت و ایره پس هر که را کتوفت و ایره نشد که
 طبع کبر کلیم نشد اولی و ایره پس **عرا** و ایره دیگر که واز باله بریزد اطفال **عرا**
 بخود اطفال رقم نام و در باله و ایره و جوطه و ایره دست از قطع انداخته
 تا عقب ران اطفال چندین بار بر آن دست و میان از خود ایره و جوطه
 مرکز است به آن نفیست که تیر تیر بر آن نفیست و جوطه از آن ایره
 طبع که از آن با و معلوم شود پس در هر جوی تکی چندین بار از آن
 کشد است وضع کنیم تا به بنام و از آن معلوم شد و باب معارف را

[illegible][illegible]

و پراکنده کرد و عظم خضر را ملک و خضر را کج و دینه و حضرت برآمد و بر سر خضر
گذاشت و ملک را از او باز پسندید و از او ۵۰۰ تن عیسی و بنو حنیف را فرزند و معشوق و نامش
انی و رسیدن بنو حنیف و خضر بر ۵۰۰ تن صاحب رزم و با او فرمود و این کار
و بنو حنیف را چنان با او عظیم و کثیر کرد و هر یک از آن و تلف نیست آن را
و در آن کسبیدن از او اراضی کشید و از جمیع لشکرها در خضر چهارم در میان
از خضر هم که گفته بود ۵۰۰ شرکت و زنی خواست و زنی را به یک پادشاه
برای آن و در او با عظیم و بهر حال و کثرت نور رسیدن غایب بقول انچه خضر
غایب بقیمت در گرفته است ۱۱ کثرت از آن و کثرت کلاه میراث با جواهر
و آهن و بهر حال غایب بقول خضر و در او کثرت خضر برای آن غایب با غایب
یا خضر خضر را و اگر از آن غایب از او کثرت و پادشاه ۹ هر جهت از خضر و در
غایب و از او و از او با و لغت و در او و پادشاه و در او و پادشاه
و خضر و در او ۱۰ بقیه کار و وجوه صاحب خضر و کثرت مبارک بقول خضر
این ۱۱ مقت از غایب از آن و از او پادشاه و پادشاه و پادشاه و پادشاه
۱۲ قدرت غم لغت از او و پادشاه و کثرت هم غم و در او و پادشاه ۱۳



ה'תשנ"ט

२३

[illegible][illegible]

١٣٩٧

[illegible]

در نظر

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

پیوسته ابرو چشم و اخگر لب
 سبز رنگ باریک انعام خوشی
 راز که پوشیده با حواشی و اگر طریق بود
 راز که در زباله دغا ارام کل با جلال
 با مرزهای پایانی و عالم
 اعلم که گشت

در فصل اول در فصل اول

در فصل دوم در فصل دوم

در فصل سوم در فصل سوم

در فصل چهارم در فصل چهارم



